

مقدمه ناشر

دوست خوبم، سلام

واژه «فارسی» را در اینترنت جست‌وجو می‌کنیم. در همان صفحه اول می‌آید: «سفارش غذای آنلاین»، «فارسی - ویکی‌واژه» و چیزهایی شبیه این‌ها.

با این حساب «زبان فارسی» اگر در حال تحول اساسی نباشد، دست کم دستخوش تغییرات نه چندان خرد و کوچک است. سرعت تغییرات در فضای مجازی، سایت‌های اینترنت، شبکه‌های اجتماعی و هر جنبه‌ای از زندگی‌مان که به دیجیتال و الکترونیک مربوط است، چنان زیاد است که روی تمام حیطه‌های زندگی و به ویژه حرف‌زدنمان تأثیر می‌گذارد و با این تغییرات، فاصله ما از چیزی که به نام زبان فارسی معیار یا ادبی می‌شناسیم، روزبه‌روز زیادتر می‌شود.

درس فارسی؛ از جنبه درسی‌اش که بگذریم؛ شاید مهم‌ترین ابزار و گاهی وقت‌ها اساسی‌ترین بهانه‌ای است که این فاصله را کم می‌کند. متن‌های قدیمی از نظم و نثر گرفته، حکایت‌ها و قطعه‌ها در عین حال که اطلاعات و فرهنگ بازمانده از قرن‌های پیشین را به ما منتقل می‌کنند، نقطه اتصال زبان و گفتار امروزمان با شیوه سخن‌گفتن و نوشتار اجدادمان است.

تغییر و تحول نه‌تنها بد نیست، که بسیار هم لازم است، اما به یکباره بریدن از گذشته و میراثی که داشته‌ایم اگر هم بد نباشد، دست کم چنان خردمندانه نیست.

به حساب حرف‌های بالا و از آن‌جا که بالأخره «فارسی» درسی است مهم از دروس امسالتان؛ به قول علما؛ احتیاط واجب آن است که درست و حسابی یادش بگیرید.

مؤلف خوبمان آقای دکتر احمدوند، همچون سال‌های پیش، کتابی خوب و ویژه برای آن‌که فارسی را با همه نکته‌ها و ترفندهایش، به راحتی و شیرینی یاد بگیرید برایتان نوشته است. ضمن سپاس از ایشان؛ که وجودشان آزرده‌گزند مباد؛ و با اقرار به خوبی و پاکیزگی آن‌چه نوشته‌اند، به سبب آن‌که خواننده کتاب، شماید، نظرتان از هر کس دیگری برایمان مهم‌تر است. برایمان چه روی کاغذ و چه در فضای مجازی بنویسید که این کتاب چگونه است؟ از کاستی‌ها و فزونی‌ها، کدام را دارد و با چه چاره‌ای بهتر و نیکوتر می‌شود.

به زبان فارسی راحت این‌که:

بگید چند چندیم؟ و چه‌طوری خفن می‌شیم؟

خوب و خوش باشید

مقدمه مؤلف

«جادوی جملات»

تا حالا شده فکر کنی «انتخاب هر واژه، چقدر می‌تونه مهم باشه»؟ مثلاً جایی که دقیقاً باید به کسی بگی «نرو!»، بگی «بهرتره نری!» یا جایی که باید بگی «دلیم می‌خواد بمونی!»، بگی «تصمیم با خودته!»

آیا این انتخاب به ظاهر ساده، واقعاً قدرت این رو داره که سرنوشت زندگی خودت و اطرافیانت رو تحت تأثیر قرار بده؟

من فکر می‌کنم، بله! «قدرت جادویی» واژه‌ها مهم‌ترین ابزاریه که در اختیار داریم. ما هزاران هزار انتخاب داریم که هر روز تلاش می‌کنیم با بهترین انتخاب‌ها و چیدمان واژه‌ها، به زیباترین شکل، روابط خودمون رو با اطرافیانون، سر و سامون بدیم و احساس و اندیشه‌ای که از اون‌ها در ما شکل گرفته رو بهشون منتقل کنیم.

این‌جاست که پای ادبیات به زندگی انسان‌ها باز می‌شه. ادبیات میاد تا به ما یاد بده از هر کلمه دقیقاً کجا استفاده کنیم، زیبا انتخاب کردن رو یاد بگیریم و بهترین واژه‌ها و جمله‌ها رو به ذهن بسپاریم تا در هر لحظه به بهترین شکل، احساس و منظومون رو منتقل کنیم.

اما باید اعتراف کرد که احساسات و اندیشه‌هایی هم هستن که اصلاً در قالب کلمات نمی‌شه بیانسون کرد، مثل «عشق»!

زبان اگرچه دلیر است و مدّعا شیرین سخن ز عشق چه گویم جز این‌که نتوان گفت **اقبال لاهوری**

و اما بریم سراغ کتاب خودمون؛ در این کتاب ما سعی کردیم بهترین واژه‌ها رو در کنار هم بچینیم تا هم درس رو خیلی خوب یاد بگیرید و هم لذّت ببرید.

از ویژگی‌های این کتاب:

- ❑ کلّ متن کتاب درسی رو نوشتیم تا نیازی نباشه دو کتاب همراه داشته باشید.
 - ❑ واژه‌های معنی‌شده پایان کتاب درسی رو به صورت رنگی نوشتیم تا از واژه‌های دیگه متمایز باشن.
 - ❑ همهٔ ابیات و عبارت‌های دشوار، حتی مواردی که در کارگاه متن‌پژوهی اومده، معنی کردیم.
 - ❑ بعد از هر درس کلی نمونه سؤال امتحانی با پاسخ تشریحی آوردیم.
 - ❑ شش آزمون آمادگی (دوتا برای نیم‌سال اول و چهار تا برای نیم‌سال دوم) نوشتیم.
 - ❑ در ابتدای کتاب، چکیدهٔ آرایه و دستور زبان سال‌های گذشته و در بخش پایانی کتاب یک خلاصه درس توپ از مباحث دوازدهم برای مرور سریع در ایام امتحانات براتون آماده کردیم.
- نوبت می‌رسه به عزیزانی که باید ازشون سپاس‌گزاری کنم. پیش از هر کسی، مثل همیشه از دکتر کورش بقائی راوری گرامی تشکر می‌کنم که آشنایی با ایشون، برکات بسیاری برای بنده به همراه داشته و همواره مدیونشون خواهم بود. از ویراستاران گرامی، خانم قادری، خانم سخاوت‌زاده، خانم دکتر کیایی و آقای دکتر غلامی عزیز کمال سپاس رو دارم. در پایان هم، از تمامی عزیزان در انتشارات دوست‌داشتنی «خیلی‌سبز» به خاطر همهٔ زحماتشون، نهایت سپاس‌گزاری رو دارم و برای تمامی تلاشگران عرصهٔ علم، آرزوی سربلندی می‌کنم.

دوستدار شما

مجتبی احمدوند

فهرست

ستایش: مَلِکَا ذکر تو گویم

۷	آزمون درس ستایش
۹	آزمون درس ستایش
۱۰	فصل ۱: ادبیات تعلیمی
۱۱	درس یکم: شکرِ نعمت
۱۹	کارگاه متن‌پژوهی
۲۰	گنج حکمت: گمان
۲۱	آزمون درس یکم
۲۳	درس دوم: مست و هُشیار
۲۶	کارگاه متن‌پژوهی
۲۸	شعرخوانی: در مکتب حقایق
۳۰	آزمون درس دوم



فصل ۲: ادبیات پایداری

۳۲	درس سوم: «آزادی» و «دفترِ زمانه»
۳۳	کارگاه متن‌پژوهی
۳۷	گنج حکمت: خاکریز
۳۸	آزمون درس سوم
۳۹	درس پنجم: دماوندیه
۴۱	کارگاه متن‌پژوهی
۵۰	روان‌خوانی: جاسوسی که الاغ بود!
۵۱	آزمون درس پنجم
۵۴	آزمون درس پنجم



فصل ۳: ادبیات غنایی

۵۷	درس ششم: نی‌نامه
۵۸	کارگاه متن‌پژوهی
۶۵	گنج حکمت: آفتابِ جمال حق
۶۷	آزمون درس ششم
۶۷	درس هفتم: «در حقیقت عشق» و...
۷۰	کارگاه متن‌پژوهی
۷۵	شعرخوانی: صبح ستاره‌باران
۷۷	آزمون درس هفتم
۷۹	آزمون درس هفتم



فصل ۴: ادبیات سفر و زندگی

۸۱	درس هشتم: از پاریز تا پاریس
۸۲	کارگاه متن‌پژوهی
۹۰	گنج حکمت: سه مَرکَبِ زندگی
۹۲	آزمون درس هشتم
۹۳	درس نهم: کویر
۹۵	کارگاه متن‌پژوهی
۱۰۳	روان‌خوانی: بوی جوی مولیان
۱۰۵	آزمون درس نهم
۱۱۰	آزمون درس نهم



فصل ۵: ادبیات انقلاب اسلامی

۱۱۲	درس دهم: فصلِ شکوفایی
۱۱۳	کارگاه متن‌پژوهی
۱۱۶	گنج حکمت: تیرانا
۱۱۷	گنج حکمت: تیرانا



۱۱۹	آزمون درس دهم
۱۲۰	درس یازدهم: آن شبِ عزیز
۱۲۵	کارگاه متن‌پژوهی
۱۲۷	شعرخوانی: شکوهِ چشمانِ تو
۱۳۰	آزمون درس یازدهم

فصل ۶: ادبیات حماسی

۱۳۲	درس دوازدهم: گذر سیاوش از آتش
۱۳۳	کارگاه متن‌پژوهی
۱۴۴	گنج حکمت: به جوانمردی کوش
۱۴۶	آزمون درس دوازدهم
۱۴۸	درس سیزدهم: خوانِ هشتم
۱۵۰	کارگاه متن‌پژوهی
۱۶۱	شعرخوانی: ای میهن!
۱۶۲	آزمون درس سیزدهم
۱۶۳	آزمون درس سیزدهم

فصل ۷: ادبیات داستانی

۱۶۵	درس چهاردهم: سی‌مرغ و سیمرغ
۱۶۶	کارگاه متن‌پژوهی
۱۷۶	گنج حکمت: کلان‌تر و اولی‌تر!
۱۷۸	آزمون درس چهاردهم
۱۷۸	درس شانزدهم: کبابِ غاز
۱۸۰	کارگاه متن‌پژوهی
۱۹۱	روان‌خوانی: ارمیا
۱۹۳	آزمون درس شانزدهم
۱۹۶	آزمون درس شانزدهم

فصل ۸: ادبیات جهان

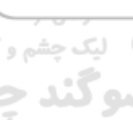
۱۹۸	درس هفدهم: خنده‌ تو
۱۹۹	کارگاه متن‌پژوهی
۲۰۲	گنج حکمت: مسافر
۲۰۳	آزمون درس هفدهم
۲۰۵	درس هجدهم: عشق جاودانی
۲۰۶	کارگاه متن‌پژوهی
۲۰۸	روان‌خوانی: آخرین درس
۲۰۹	آزمون درس هجدهم

نیایش: لطف تو

۲۱۳	آزمون درس هجدهم
۲۱۵	آزمون درس هجدهم

پاسخ آزمون‌های درس‌به‌درس

۲۱۶	نمونه امتحان نیم‌سال اول (۱)
۲۲۴	نمونه امتحان نیم‌سال اول (۲)
۲۲۸	نمونه امتحان نهایی خردادماه ۱۴۰۱
۲۳۲	نمونه امتحان نهایی خردادماه ۱۴۰۰
۲۳۶	نمونه امتحان نهایی شهریورماه ۱۴۰۰
۲۴۰	نمونه امتحان نهایی دی‌ماه ۱۴۰۰
۲۴۴	نمونه امتحان نهایی دی‌ماه ۱۴۰۰





برای مطالعه چکیده آرایه و دستور زبان (یادآوری سال‌های گذشته)، QRcode روبه‌رو را اسکن کنید.

ستایش: ملک‌اکبر تو گویم

این شعر از «دیوان حکیم سنایی غزنوی» و در قالب «قصیده»^۱ است.

ملک، پادشاه، خداوند / ذکر، یاد

ملک، ذکر^۲ تو گویم که تو پاکتی و خدایی / نروم جز به همان ره که توأم راه‌نمایی
معنی خداوند، تو را یاد می‌کنم زیرا که پاک و پروردگار هستی و فقط همان مسیری را می‌روم که تو به من نشان دهی (یا جز راهی که تو راهنمای من باشی راه دیگری را نمی‌روم).

مفهوم یادکردن از پاکتی و راهنمابودن خداوند

آرایه: «مصرع دوم به آیه ششم از سوره حمد تلمیح دارد: «إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ: ما را به راه راست هدایت فرما.» جمله «توأم راه‌نمایی»، «ایهام» دارد و به دو صورت خوانده و معنی می‌شود:

۱ تو راه را به من نمایی / تو راه‌نمای من هستی
 نهاد مفعول متقم فعل / نهاد مسند مضاف‌الیه فعل

دستوره: «الف» در «ملک» حرف نداست. / منظور از «تو» در همه بیت‌ها «خداوند» است. / «پاک و «خدا» مسند هستند (تو پاک هستی و خدا هستی).

همه در گاه تو جویم همه از فضل تو پویم / همه توحید تو گویم که به توحید سزایی

همه: [در اینجا] تنها، فقط / فضل، بخشش، کرم / پویدن، حرکت به سوی مقصدی برای به دست آوردن و جست‌وجوی چیزی، تلاش، رفتن / سزا، سزاوار، شایسته، لایق

معنی تنها در گاه تو را می‌جویم و به سبب لطف تو در حرکت و تلاش؛ فقط از یگانگی تو می‌گویم زیرا که شایسته توحید و یگانگی هستی.

مفهوم جست‌وجوی خداوند، توحید و ستایش او و حرکت و تلاش به لطف او

آرایه: «جویم»، «پویم» و «گویم»: جناس ناهمسان (ناقص) مصرع اول به آیه پنجم از سوره حمد تلمیح دارد: «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ: تنها تو را می‌پرستیم و تنها از تو یاری می‌جوییم.» / واج‌آرایی: تکرار صامت «ت» / تکرار: «تو»

دستوره: «همه»: در این بیت در نقش «قید» است. جویم (می‌جویم)، پویم (می‌پویم) و گویم (می‌گویم) همگی فعل مضارع اخباری هستند. نقش کلمات در جمله پایانی به این شکل است:

[تو] به توحید سزا یی.
 حرف متقم مسند فعل / نهاد اضافه

(نهایی دی ۹۶)

«همه از فضل تو پویم»

سوال عبارت روبه‌رو را به نثر روان معنی کنید.

پاسخ به سبب لطف تو در حرکت و تلاش.

حکیم، دانا به همه چیز، دانای راست‌کردار، از نام‌های خداوند تعالی؛ بدین معنا که همه کارهای خداوند از روی دلیل و برهان است و کار بی‌هوده انجام نمی‌دهد. / کریم، بسیار بخشنده، بخشنده، از نام‌ها و صفات خداوند / رحیم، بسیار مهربان، از نام‌ها و صفات خداوند / نماینده، آن که آشکار و هویدا می‌کند، نشان‌دهنده / ثنا، ستایش، سپاس

تو حکیمی تو عظیمی تو کریمی تو رحیمی / تو نماینده فضل تو سزاوار ثنایی

معنی تو حکیم، بزرگ، بخشنده و مهربان هستی؛ تو آشکارکننده فضل و بخشش هستی و شایسته ستایشی.

مفهوم اشاره به صفات خداوند: علم، بزرگی، مهربانی و شایسته ستایش بودن

آرایه: «تو و «ی» (مخفف فعل هستی): تکرار / واج‌آرایی: تکرار صامت‌های «ت» و «م» و همچنین مصوت‌های «ئ» و «ی»

دستوره: «حکیم، عظیم و ...» در نقش «مسند» هستند. / «نماینده» از بن مضارع «نمای» + پسوند فاعلی «-نده» تشکیل شده؛ «نمایش» نیز از همین بن ساخته شده است.

(نهایی دی ۹۷)

«تو نماینده فضل تو سزاوار ثنایی»

سوال معنای واژه مشخص شده را بنویسید.

پاسخ ستایش، سپاس

۱. این شعر در اصل دارای سیزده بیت است و در دیوان سنایی جزء قصاید اوست.

۲. کلماتی که در متن درس زیرشان خط کشیده‌ایم از نظر املایی مهم‌اند.

ادبیات تعلیمی



محتسب مستی به ره دید و گریبانش گرفت

مست گفت ای دوست، این پیراهن است افسار نیست

سوی بد لبتم چرا باید ستافت؟ / نان را از من بگیر، اما / خندهات را از من
چون نعمتی پدید آید بر مرکب شکر نشینم / ما / خندهات را از من
محتسب مستی به ره دید و گریبانش گرفت / نان را از من بگیر، اما / خندهات را از من
مست گفت ای دوست، این پیراهن است افسار نیست / نان را از من بگیر، اما / خندهات را از من
جمع را چیده و منگم و حده و مجلس آرای بلا معارض شده است / نان را از من بگیر، اما / خندهات را از من
چنین است سوگند چرخ بلند گفت هشیاری بیار، این جا کسی هشیار نیست! / نان را از من بگیر، اما / خندهات را از من
سوی یک ششم چرا باید ستافت؟ / نان را از من بگیر، اما / خندهات را از من
چین نغمة محبت، بعد از من و تو ماند تا در زمانه باقیست آواز باد و باران / نان را از من بگیر، اما / خندهات را از من
هر کسی کاو دور ماند از اصل خویش باز جوید روزگار وصل خویش / نان را از من بگیر، اما / خندهات را از من
لطف کن لطف، که بیگانه شود حلقه به گوش / نان را از من بگیر، اما / خندهات را از من
چنین است سوگند چرخ بلند / نان را از من بگیر، اما / خندهات را از من
ملکا ذکر تو گویم که تو پاکی و خدایی / نان را از من بگیر، اما / خندهات را از من
تیرانا! گشاده دستی و کرامت را از درختان میوه دار بیاموزا / نان را از من بگیر، اما / خندهات را از من
هر کسی کاو دور ماند از اصل خویش / نان را از من بگیر، اما / خندهات را از من
باز جوید روزگار وصل خویش / نان را از من بگیر، اما / خندهات را از من
چنین است سوگند چرخ بلند / نان را از من بگیر، اما / خندهات را از من
که بر بی گناهان نیاید گزند / نان را از من بگیر، اما / خندهات را از من
لطف کن لطف، که بیگانه شود حلقه به گوش / نان را از من بگیر، اما / خندهات را از من
ای دیو سپید پای در بند / نان را از من بگیر، اما / خندهات را از من
ای گنبد گیتی ای دماوند / نان را از من بگیر، اما / خندهات را از من
هشتم را / من روایت می کنم اکنون / من که نامم ماث / نان را از من بگیر، اما / خندهات را از من
این کلمات را با خط جلی نوشت: «زنده باد میهن» / نان را از من بگیر، اما / خندهات را از من
لطف کن لطف / نان را از من بگیر، اما / خندهات را از من
سوی یک ششم چرا باید ستافت؟ / نان را از من بگیر، اما / خندهات را از من
چنین است سوگند چرخ بلند گفت هشیاری بیار، این جا کسی هشیار نیست! / نان را از من بگیر، اما / خندهات را از من
سوی یک ششم چرا باید ستافت؟ / نان را از من بگیر، اما / خندهات را از من



کتاب «گلستان» اثر «سعدی» است.

ماجرای این درس ...

در گذشته همه شاعران و نویسندگان در آغاز کار، بخشی رو به سپاسگزاری از خداوند و یادکردن از نعمت‌های او اختصاص می‌دادند. این بخش «تمهیدیه» نام دارد. کتاب «گلستان» که از برهسته‌ترین آثار ادبیات فارسی محسوب می‌شود، تمهیدیه‌ای عالی و بی‌نظیر دارد که در این درس با آن آشنا می‌شویم.

مَنْت: سپاس، شکر، نیکی / عَزَّ و جَلَّ: گرامی، بزرگ و بلندمرتبه است؛ بعد از ذکر نام خداوند به کار می‌رود. / قَرِبت: نزدیکی / مزید: افزونی، زیادی

مَنْتِ خدای را، عَزَّ و جَلَّ، که طاعتش موجب قَرِبت است و به شکر اندرش مزید نعمت.

معنی: سپاس و ستایش مخصوص خداوند گرامی و بزرگ است که اطاعتش سبب نزدیکی به او می‌شود و شکرگزاری او باعث افزایش نعمت می‌گردد.

مفهوم: اطاعت از خداوند و سپاسگزاری از او

آرایه: «قربت» و «نعمت»: سجع / تلمیح به آیه «لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ: اگر شکر کنید [نعمتتان] را افزون خواهم کرد.» (بخشی از آیه ۷ سوره ابراهیم)

دستوره: «را»: در «خدای را» حرف اضافه به معنی «برای» است (مَنْت برای خداست). / «به شکر اندر»: آمدن دو حرف اضافه برای یک متمم / ضمیر «ش» در «به شکر اندرش» مضاف‌الیه «شکر» است (در شکر کردن او) / فعل «است» بعد از «خدای را» و «نعمت» به قرینه لفظی حذف شده است (مَنْتِ خدای را است) / مزید نعمت [است].

مُمِدَّ: مددکننده، یاری‌رساننده / مَفْرَحِ ذات: شادی‌بخش، فرح‌انگیز / ذات: وجود، هستی

هر نَفْسی که فرومی‌رود، مُمِدَّ حیات است و چون برمی‌آید، مَفْرَحِ ذات.

معنی: هر نَفْسی که فرو برده می‌شود یاریگر زندگی است و وقتی بیرون می‌آید شادی‌بخش وجود است.

مفهوم: لطف همیشگی خداوند

آرایه: «فرومی‌رود» و «برمی‌آید»: تضاد / «حیات» و «ذات»: سجع

دستوره: فعل «است» بعد از «ذات» به قرینه لفظی حذف شده است (مَفْرَحِ ذات است).

(نویس شهرریور ۹۹)

سؤال: عبارت زیر را به نثر روان معنی کنید.

«هر نفسی که فرومی‌رود مُمِدَّ حیات است و چون برمی‌آید، مَفْرَحِ ذات.»

پاسخ: هر نفسی که فرو برده می‌شود، یاریگر زندگی است و وقتی بیرون می‌آید، شادی‌بخش وجود است.

(نویس دی ۹۸)

سؤال: معنی واژه مشخص شده را بنویسید.

پاسخ: مُمِدَّ: مددکننده، یاری‌رساننده

پس در هر نَفْسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی شکر واجب.

معنی: پس در هر نفس دو نعمت وجود دارد و برای هر نعمتی باید شکر به جای آورد.

مفهوم: نعمت بی‌پایان خداوند و سپاس از او

دستوره: فعل «است» بعد از «واجب» به قرینه لفظی حذف شده است (شکری واجب است).

از دست و زبان که برآید کز عهده شکرش به درآید؟

معنی: از کردار و گفتار چه کسی ساخته است که شکر نعمت‌های او را به جای آورد؟

مفهوم: ناتوانی در سپاسگزاری از خداوند

آرایه: «دست»: مجاز از کردار / «زبان»: مجاز از گفتار / مصراع اول «استفهام انکاری» دارد^۱ (از دست و زبان کسی بر نمی‌آید). / «دست و زبان»: مراعات نظیر

دستوره: «که» در مصراع اول، ضمیر پرسشی است و نقش مضاف‌الیه دارد؛ اما در مصراع دوم پیوند وابسته‌ساز است.

(نویس شهرریور ۹۹)

سؤال: مفهوم بیت زیر در کدام گزینه آمده است؟

«از دست و زبان که برآید کز عهده شکرش به در آید»

(۱) ناپایداری قدرت

(۲) بیگانه‌ستیزی

(۳) ازجان‌گذشتگی عاشق

(۴) ناتوانی در سپاس‌گزاری از خداوند

پاسخ: گزینه «۴»؛ ناتوانی در سپاس‌گزاری از خداوند

۱. در این کتاب، استفهام یا پرسش انکاری را در موضوع «آرایه» آورده‌ایم.

(نهایی دی ۹۹)

سوال معنی بیت زیر را به نثر روان بنویسید.
 «از دست و زبان که برآید کز عهده شکرش به در آید»
پاسخ از کردار و گفتار چه کسی ساخته است که شکر نعمت‌های او را به جای آورد؟

﴿إِعْمَلُوا آلَ دَاوُدَ شُكْرًا وَقَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّكُورِ﴾

معنی ای خاندان داوود، سپاس گزاید و عده کمی از بندگان من سپاسگزارند.

مفهوم سپاسگزاری از خداوند

آرایه تضمین قسمتی از آیه ۱۳ سوره سبأ

بنده همان به که ز **تقصیر خویش** **عذر به درگاه خدای آورد**

معنی بهتر است بنده به خاطر گناه خود از خداوند، طلب بخشش کند.

مفهوم توبه از گناهان

آرایه «بنده، تقصیر، عذر و خدای»: مراعات نظیر

دستوره فعل «است» بعد از «به» به قرینه معنایی حذف شده است (همان به است).

و رنه سزاوار خداوندی اش کس نتواند که به جای آورد

معنی وگرنه کسی نمی‌تواند، آن‌گونه که شایسته خداوند است، شکرگزاری کند.

مفهوم ناتوانی در سپاسگزاری از خداوند

به، بهتر / تقصیر، گناه، کوتاهی، کوتاهی کردن / عذر، توبه، عذرخواهی

ورنه، وگرنه، زیرا / به جای آوردن، انجام دادن

(نهایی فرورد ۹۸)

سوال نوع حذف را در هر یک از موارد زیر تعیین کنید.
 الف) بنده همان به که ز **تقصیر خویش** **عذر به درگاه خدای آورد**

ب) در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی شکر واجب.

پاسخ الف) فعل «است» بعد از «به» به قرینه معنایی حذف شده است.

ب) فعل «است» بعد از «واجب» به قرینه لفظی حذف شده است.

باران رحمت بی حسابش همه را رسیده و **خوان** نعمت بی دریغش همه جا کشیده.

معنی رحمت بی کران الهی مانند باران به همه رسیده و سفره نعمت بی مضایقه و سخاوتمندانه‌اش در همه جا گسترده است.

مفهوم لطف فراگیر خداوند

آرایه «باران رحمت» و «خوان نعمت»: تشبیه («رحمت و نعمت»: مشبّه؛ «باران و خوان»: مشبّه‌به) / عبارت کاملاً آهنگین است، زیرا کلمات آن همگی «سجع متوازی» دارند: «باران - خوان»، «رحمت - نعمت»، «بی حسابش - بی دریغش»، «همه را - همه جا»، «رسیده - کشیده»؛ این آرایه را ترصیع نامیده‌اند. (ویژه علوم انسانی)

دستوره «را» در «همه را رسیده» حرف اضافه به معنی «به» است. (به همه رسیده) / فعل «است» در ساختار فعل ماضی نقلی، بعد از «رسیده» و «کشیده» به قرینه معنایی حذف شده است (رسیده است)؛ (کشیده است).

بی حساب: بی‌شمار / خوان: سفره، سفره فراخ و گشاده / بی دریغ: بی مضایقه، سخاوتمندانه

(نهایی شهریور ۹۸)

سوال عبارت روبه‌رو را به نثر روان بازگردانی کنید.
 «و خوان نعمت بی دریغش همه جا کشیده.»

پاسخ و سفره نعمت بی مضایقه و سخاوتمندانه‌اش در همه جا گسترده است.

پردۀ ناموسِ بندگان به گناه **فاحش** ندرد و **وظیفه** روزی به خطای **منگر** نَبَرَد.

معنی آبروی بندگان را با وجود گناه آشکار نمی‌ریزد و روزی معین آنان را به خاطر انجام اشتباه زشت قطع نمی‌کند.

مفهوم عیب‌پوشی (ستار العیوب بودن) و روزی‌رسانی (رزاق بودن) خداوند

آرایه «پردۀ ناموس»: تشبیه («ناموس»: مشبّه، «پرده»: مشبّه‌به) / «پرده‌دیدن»: کنایه از رسواکردن / «نَبَرَد» و «نَبَرَد»: سجع

دستوره پردۀ ناموسِ بندگان^۱

هسته مضاف‌الیه مضاف‌الیه مضاف‌الیه
 (وابسته وابسته)

ناموس: آبرو، شرافت / فاحش: آشکار، واضح / روزی: رزق، مقدار خوراک یا وجه معاش که هر کس روزانه به دست می‌آورد یا به او می‌رسد؛ وظیفه روزی: رزق مقرّر و معین / وظیفه: مقرری، وجه معاش / منگر: زشت، ناپسند

(نهایی فرورد ۹۸ و دی ۹۸)

سوال عبارت زیر را به نثر روان معنی کنید.

«پردۀ ناموسِ بندگان به گناه **فاحش** ندرد و **وظیفه** روزی به خطای **منگر** نَبَرَد.»

پاسخ آبروی بندگان را با وجود گناه آشکار نمی‌ریزد و روزی معین آنها را به خاطر انجام اشتباه زشت قطع نمی‌کند.

۱. وابسته‌های وابسته مانند «مضاف‌الیه مضاف‌الیه»، «صفت مضاف‌الیه»، «قید صفت»، «صفت صفت» و «ممتیز» مربوط به درس‌های ۸ و ۹ کتاب است. ما برای تمرین بیشتر، از همین ابتدا، آن‌ها را نیز برای شما مشخص کرده‌ایم. می‌توانید نگاهی به ایستگاه دستور دو درس گفته‌شده بیندازید.

پشتیبان، چوبی که به جهت استحکام بر دیوار نصب کنند. / باک، ترس / بحر، دریا

چه غم دیوارِ اَمّت را که دارد چون تو پشتیبان؟
معنی: ای پیامبر، وقتی مسلمانان پشتیبانی چون تو دارند، غمی ندارند؛ همان‌طور که آن کس که در کشتی نوح باشد از موج و طوفان دریا ترسی ندارد.

مفهوم: تکیه بر حمایت پیامبر (ص)

آرایه: «چه غم؟» و «چه باک؟»: استفهام انکاری (غمی ندارد؛ باکی ندارد) / «دیوار اَمّت»: تشبیه («اَمّت»: مشبّه؛ «دیوار»: مشبّه‌به) - تشبیه («تو»: مشبّه؛ «پشتیبان»: مشبّه‌به) / بیت «اسلوب معادله» دارد. / مصراع دوم به داستان حضرت نوح «تلمیح دارد». / «دیوار و پشتیبان» و «موج، بحر، نوح و کشتیان»: مراعات نظیر
دستور: ضمیر «تو» به پیامبر (ص) برمی‌گردد.

(نهایی فردار ۹۹)

سوال: درستی یا نادرستی آرایهٔ مقابل بیت را مشخص کنید.

«چه غم دیوار اَمّت را که دارد چون تو پشتیبان چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیان» (اسلوب معادله)

پاسخ: درست است؛ مصراع دوم، مثالی برای مصراع اول است و دو مصراع، استقلال دستوری دارند.

(نهایی دی ۹۷)

سوال: مصراع «چه غم دیوار اَمّت را که دارد چون تو پشتیبان؟» چه مفهومی دارد؟

پاسخ: حمایت پیامبر اکرم (ص) که موجب دلگرمی و نجات است.

انابت: بازگشت به سوی خدا، توبه، پشیمانی /
 اجابت: پذیرفتن / تعالی: بلندمرتبه / جَلّ و علا:
 بزرگ و والامقام

هر گه یکی از بندگان گنهکارِ پریشان‌روزگار، دست **انابت** به امید اجابت به درگاه حق جَلّ و علا بردارد، ایزد تعالی در او نظر نکند.

معنی: هر زمان که یکی از بندگان گناهکار و بیچاره، دست خود را به نشانهٔ توبه و با امید پذیرش توبه‌اش به سمت خداوند بزرگ و والامقام بردارد، خداوند بلندمرتبه به او توجهی نمی‌کند.

مفهوم: توبهٔ بنده و عدم توجهٔ خداوند به او

آرایه: «انابت» و «اجابت»: جناس ناهمساز (ناقص) / «نظر نکردن»: کنایه از توجه نکردن

دستور: «دست انابت»: اضافهٔ اقترانی

کالبدشکافی

به ترکیب‌های مشخص‌شدهٔ زیر دقت کنید:

❑ **دستِ طمع**، آدمی را خفه خواهد کرد: «طمع» مانند موجودی زنده «دست» دارد.

مشبّه ادات تشبیه مشبّه‌به
 وجه‌شبهه (یکی از اجزای مشبّه‌به)

❑ **گردنِ ظلم**، را باید شکست: «ظلم» مانند موجودی زنده «گردن» دارد.

مشبّه ادات تشبیه مشبّه‌به
 وجه‌شبهه (یکی از اجزای مشبّه‌به)

به این ترکیب‌ها که از «وجه‌شبهه» (یکی از اجزای مشبّه‌به) + «مشبّه» ساخته می‌شوند، «**اضافهٔ استعاری**» می‌گوییم. مانند: چنگال ستم، بال خیال، قهقههٔ فشنگ، سقف شب (شب به ساختمانی تشبیه شده که سقف جزئی از آن است)، قلّهٔ آرزو (آرزو به کوهی تشبیه شده که قلّهٔ جزئی از آن است). اکنون به ترکیب‌های مشخص‌شدهٔ زیر دقت کنید:

❑ شاگرد در برابر استادش **دستِ ادب** به سینه نهاد: دست را «به نشانهٔ» ادب به سینه نهاد.

❑ **گردنِ غرور** برافراشت و به راه افتاد: گردن را «به نشانهٔ» غرور برافراشت.

❑ **دستِ دعا** به سوی خداوند بلند کرد: دست را «به نشانهٔ» دعا بلند کرد.

❑ قاضی **قلمِ بخشش** بر جرم‌هایش کشید: قلم را «به نشانهٔ» بخشش کشید.

به این ترکیب‌ها که می‌توان بین آنها از «به نشانهٔ» یا «برای» استفاده کرد، «**اضافهٔ اقترانی**» می‌گوییم.

بخواند، صدا کند / اعراض، روی گرداندن از کسی یا چیزی، روی گردانی / تضرّع، زاری کردن، التماس کردن

بازش بخواند؛ باز **اعراض** فرماید. بار دیگرش به **تضرّع** و زاری بخواند.

معنی: دوباره آن بنده، خداوند را صدا می‌کند، باز هم خداوند روی برمی‌گرداند، بار دیگر با التماس و زاری خداوند را صدا می‌زند.

مفهوم: توبهٔ بندگان

دستور: ضمیر «ش» در «بازش» و «بار دیگرش» مفعول است و مرجع آن «خداوند» است. (باز او را بخواند؛ بار دیگر او را بخواند)

حق، سُبْحانَه و تعالی - فرماید: یا مَلائِکَتَیْ قَدْ اسْتَحْیَیْتُ مِنْ عِبْدِی وَ لَیْسَ لَهُ غَیْرِی فَقَدْ غَفَرْتُ لَهُ.

معنی: خداوند پاک و بلندمرتبه می‌فرماید: ای فرشتگانم، من از بندهٔ خود شرم دارم و او جز من پناهی ندارد، پس او را آمرزیدم.

مفهوم: نهایت بزرگی خداوند و بخشش او / خداوند، تنها پناه بندگان است.

۱. آرایهٔ «اسلوب معادله» را در درس ششم به طور مفصل توضیح داده‌ایم. بهتر است نگاهی به آن بیندازید.

نمونه‌ای دیگر:

یکی درخت گل اندر میان خانه ماست که سروهای چمن پیش قامتش پستند
 در این بیت، سعدی در ذهن خودش، محبوبش را به درخت گل مانند کرده است (یعنی تشبیه ساخته است)؛ سپس مشبّه (یعنی محبوب) را کنار گذاشته و فقط مشبّه‌به (درخت گل) را آورده است؛ در این حالت، «درخت گل» استعاره از «محبوب» است.

نماد

در نظر بگیرید، پارچه سفیدی از پنجره خانه روبه‌روی شما آویزان است و باد آن را تکان می‌دهد. آیا این تصور، الزاماً بیانگر موضوع خاصی است؟ قطعاً نه.

حالا این تصویر را در نظر بگیرید: دشمن شهر شما را تسخیر کرده و تانک‌ها و سربازان بیگانه در خیابان در حال حرکت‌اند. همسایه روبه‌رویی شما، پارچه سفیدی را از پنجره آویزان کرده و آن را تکان می‌دهد. به نظر شما، این تصویر، حامل پیامی است یا مانند تصویر نخست، بیانگر موضوع خاصی نیست؟

فکر کنم قبول دارید که پارچه سفید (یا پرچم سفید) در حالت دوم، نشانه صلح و بیانگر تسلیم یا دوستی است؛ در این حالت می‌گوییم پارچه سفید، نماد صلح و دوستی (یا تسلیم‌شدن) است.

چند نماد مشهور: «پارچه سپاه» نماد سوگواری؛ «گل سرخ» نماد عشق؛ «لاله» نماد شهید؛ «شب» نماد خفقان و ظلم و «صبح» (یا سحر) نماد آزادی و پیروزی است. در این درس نیز «بلبل» نماد عاشق مدّعی و دروغین و «پروانه» نماد عاشق حقیقی است.

کارگاه متن پژوهی

قلمرو زبانی

۱ جدول زیر را به کمک متن درس کامل کنید.

معنا	واژه معادل
دارای نشان پیامبری	وسیم
شادی‌بخش	مُفَرِّح
به خدای تعالی بازگشتن	إنابت
قطع کردن مقرّری	وظیفه‌بریدن

۲ سه واژه در متن درس بیابید که هم‌آوای آنها در زبان فارسی وجود دارد.

- قربت: نزدیکی ← غربت: دوری
- حیات: زندگی ← حیات: زمین جلو ساختمان
- خوان: سفره ← خان: رئیس، سرور
- بحر: دریا ← بهر: برای
- منسوب: نسبت داده شده ← منصوب: به شغل و مقامی گماشته‌شده

۳ از متن درس برای کاربرد هر یک از حروف زیر، سه واژه مهم املائی بیابید و بنویسید.

- ح: فاحش، تحیّر، موج بحر
- ق: قربت و نزدیکی، قبا، باسق، قسیم
- ع: عَز و جَل، عصاره، اعراض، تَضَرع

۴ در عبارت زیر، نقش دستوری ضمائر متصل را مشخص کنید.

بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت.

ضمیر «م» در «گلم» مفعول است. (بوی گل چنان من را مست کرد.)

ضمیر «م» در «دامنم» مضاف‌الیه «دست» است. (دامنم از دستم برفت.)

۵ در متن درس، نمونه‌ای برای کاربرد هر یک از انواع حذف (لفظی و معنایی) بیابید.

«طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت»:

فعل «است» بعد از «نعمت» به قرینه لفظی حذف شده است (مزید نعمت [است]).

«بنده همان به که ز تقصیر خویش عذر به درگاه خدای آورد»:

فعل «است» بعد از «به» به قرینه معنایی حذف شده است (همان به [است]).

قلمرو ادبی

۱ واژه‌های مشخص‌شده، نماد چه مفاهیمی هستند؟

ای مرغ سحر! عشق ز پروانه بیاموز / کان سوخته را جان شد و آواز نیامد

«مرغ سحر»: نماد مدّعیان دروغین عاشقی / «پروانه»: نماد عاشقان راستین

قلمرو زبانی

واژه

معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

- ۱- به شکر اندرش مزید نعمت. (۰/۲۵)
- ۲- بار دیگرش به تضرع و زاری بخواند. (۰/۲۵)
- ۳- هر نفسی که فرومی‌رود، ممد حیات است. (۰/۲۵)
- ۴- تخم خرمایی به تربیتش نخل باسق گشته. (۰/۲۵)
- ۵- در بحر مکاشفت مستغرق شده. (۰/۲۵)

(نوایی دی ۹۸)

(نوایی شهریور ۱۴۰۰)

املا

۶- در گروه کلمات زیر چند نادرستی املائی دیده می‌شود؟ تصحیح کنید. (۱)

«قربت و نزدیکی - ممد حیات - مفرح ذات - خوان نعمت - گناه فاحش - عصاره تاک - شهید فایق - نخل باسق - سفوت آدمیان - موج بحر - دست انابت - اعراض کردن - تضرع و زاری - آکفان کعبه - تقصیر عبادت - هلیه جمال - به تحیر منصوب - بحر مکاشفت - مستغرق شدن - هدیه و تحفه»

۷- در کدام گزینه نادرستی املائی دیده می‌شود؟ تصحیح کنید. (۰/۲۵)

- ۱) شفیع مُتاع نبی کریم
 ۲) این مدعیان در طلبش بی‌خبران‌اند
 ۳) قسیم جسیم نسیم وسیم
 ۴) کان را که خبر شد، خبری باز نیامد

دستور زبانی

۸- در میان واژگان زیر، معادل معنایی هر مورد را مقابل آن بنویسید. (۱/۲۵)

«معاملت، انابت، وظیفه‌بریدن، وسیم، خلعت»

الف) دارای نشان پیامبری: ب) اعمال عبادی:

ت) جامه‌ای که بزرگی به کسی بخشد:

۹- هم‌آوای واژگان زیر را به همراه معنی آنها بنویسید. (۱)

الف) قربت ب) حیات
 ت) منسوب ب) خوان

۱۰- در عبارت زیر نقش ضمیر مشخص شده را نشان دهید. (۰/۲۵)

بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت.

۱۱- در هر یک از موارد زیر نوع حذف را مشخص کنید. (۰/۵)

الف) طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت.

ب) بنده همان به که ز تقصیر خویش عذر به درگاه خدای آورد

(نوایی فرورد ۹۸)

قلمرو ادبی

۱۲- پدیدآورنده «گلستان» و «ترجمه کلیله و دمنه» به ترتیب چه کسانی هستند؟ (۰/۵)

۱۳- در بیت زیر کدام کلمات مفهوم نمادین دارند؟ مفهوم هر یک را بنویسید. (۱)

ای مرغ سحر! عشق ز پروانه بیاموز
 کان سوخته را جان شد و آواز نیامد

(نوایی شهریور ۹۸ و فرورد ۱۴۰۰)

۱۴- در عبارت زیر «تشبیه، تشخیص، سجع و استعاره» را نشان دهید. (۱)

فراش باد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترده و دایه ابر بهاری را فرموده تا بنات نبات در مهد زمین پیرورد.

قلمرو فکری

درک مطلب

۱۵- مفهوم کلی هر یک از موارد زیر را در چند کلمه بنویسید.

الف) عاکفان کعبه جلالش به تقصیر عبادت معترف که: «ما عبداک حق عبادتک» (۰/۵)

ب) یکی از صاحب‌دلان سر به جیب مراقبت فرو برده بود و در بحر مکاشفت مستغرق شده؛ (۰/۵)

پ) ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند
 تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری (۰/۵)

۱۶- با توجه به بیت زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید.

☐ چه غم دیوار اَمّت را که دارد چون تو پشتیبان

الف) منظور از «تو» چه کسی است؟ (۰/۲۵)

ب) مفهوم کلی بیت چیست؟ (۰/۵)

(نهایی دی ۹۷)

۱۷- در بیت «گر کسی وصف او ز من پرسد/ بی‌دل از بی‌نشان چه گوید باز؟»، منظور از کلمات مشخص شده چیست؟ (۰/۵)

(نهایی فرورد ۹۸)

۱۸- مفهوم مشترک موارد زیر را بنویسید. (۰/۵)

☐ هیچ نقاشت نمی‌بیند که نقشی بر کشد

وان که دید، از حیرتش کلک از بنان افکنده‌ای

☐ واصفان حلیهٔ جمالش به تحبیر منسوب که «ما عَرَفْنَاكَ حَقًّا مَعْرِفَتِكَ»

۱۹- در عبارت «دیگر روز هرگاه ماهی بدیدی، گمان بردی که همان روشنایی است؛ قصدی نپیوستی و ثمرت این تجربت آن بود که همه روز گرسنه

بماند» منظور از قسمت مشخص شده چیست؟ (۰/۲۵)

معنی و مفهوم

عبارات و اشعار زیر را به نثر روان معنی کنید.

۲۰- قصدی می‌کرد تا بگیرد و هیچ نمی‌یافت. (۰/۵)

۲۱- مَتّ خدای را، عزّ و جلّ که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت. (۱)

(نهایی شهریور ۹۹)

۲۲- هر نفسی که فرومی‌رود، مِمَدّ حیات است و چون برمی‌آید، مُقَرّح ذات. (۱)

(نهایی فرورد ۹۸)

۲۳- پردهٔ ناموس بندگان به گناه فاحش نَدَرَد و وظیفهٔ روزی به خطای مُنْکَر نبرد. (۱)

۳ دربارهٔ ارتباط موضوعی متن درس با هر یک از بیت‌های زیر توضیح دهید.

دور شو از بزم ای واعظ و بیهوده مگوی
 من نه آنم که دگر گوش به تزویر کنم حافظ
معنی: ای نصیحت‌گو از کنارم دور شو و حرف بیهوده نزن؛ زیرا من دیگر آن کسی نیستم که به فریبکاری و دورویی تو گوش کنم. ارتباط موضوعی: در این بیت به دورویی نصیحت‌گویان و کسانی که مردم را از کار بد منع کرده‌اند اما خودشان اهل گناه بوده‌اند، اشاره شده است. در این درس نیز دورویی محتسب نشان داده شده است.

گفت مست: «ای محتسب بگذار و رو از برهنه کی توان بردن گرو؟» مولوی
معنی: مست گفت: «ای محتسب مرا رها کن و برو، چگونه ممکن است از کسی که هیچ ندارد چیزی به گروگان گرفت؟» ارتباط موضوعی: در این بیت به رشوه‌خواری و زورگویی محتسبان اشاره شده و اینکه آنها حتی به کسانی که بسیار فقیر بوده‌اند نیز رحم نمی‌کرده‌اند. در متن درس نیز آشکارا به این موضوع اشاره شده است. به ویژه در این دو مصراع: «گفت: دیناری بده پنهان و خود را وارهان» و «گفت: از بهر غرامت، جامه‌ات بیرون گنم».

شعرخوانی: در مکتب حقایق

این شعر سرودهٔ «حافظ» و در قالب «غزل» است.

ای بی‌خبر، بکوش که صاحب‌خبر شوی
 تا راهرو نباشی کی راهبر شوی؟
معنی: ای بی‌خبر از عشق و معرفت، بکوش تا آگاه و باخبر شوی، زیرا تا وقتی که راه معرفت را طی نکنی، رهبر و هدایتگر نمی‌شوی.

مفهوم: تشویق به کسب عشق و معرفت الهی

آرایه: «بی‌خبر و صاحب‌خبر»: تضاد / «کی راهبر شوی»: استفهام انکاری (راهبر نمی‌شوی) / واج‌آرایی: تکرار صامت «ب» در مصراع اول و تکرار صامت «ر» در مصراع دوم

در مکتب حقایق پیش ادیب عشق
 هان ای پسر، بکوش که روزی پدر شوی
معنی: ای فرزند، بکوش تا در راه کسب معرفت، نزد آموزگار عشق، روزی به مقام راهبری و کمال برسی.

مفهوم: تشویق به کسب عشق و معرفت

آرایه: «مکتب حقایق» و «ادیب عشق»: تشبیه («حقایق» و «عشق»: مشبه؛ «مکتب» و «ادیب»: مشبّه‌به) / «مکتب و ادیب» و «پسر و پدر»: مراعات‌نظیر / «پدرشدن»: کنایه از رسیدن به مقام بالا

نکته

منظور از «پسر»، سالک یا راهرو نوآموز است و منظور از «پدر»، عارف کامل یا پیر راه‌آزموده است.

دست از مس وجود چو مردان ره پیشوی
 تا کیمیای عشق بیابی و زر شوی
معنی: مانند مردان راه عشق، مس بی‌ارزش وجودت را رها کن تا به کیمیای عشق برسی و مانند طلا ارزشمند شوی. **مفهوم:** ترک وابستگی و توجه به عشق الهی موجب کمال است.

آرایه: «دست از چیزی شستن»: کنایه از ترک کردن آن / در بیت، چهار «تشبیه» وجود دارد: ۱) «مس وجود» («وجود»: مشبه؛ «مس»: مشبّه‌به) ۲) «چو مردان ره دست از وجود بشوی» («تو»: مشبه؛ «چو»: ادات تشبیه؛ «مردان ره»: مشبه‌به؛ «دست از وجود شستن»: وجه‌شبه) ۳) «کیمیای عشق» («عشق»: مشبه؛ «کیمیا»: مشبّه‌به) ۴) «زر شوی» («تو»: مشبه؛ «زر»: مشبّه‌به) / «مس، کیمیا و زر»: مراعات‌نظیر / «مس و زر»: تضاد

(نهایی شهریور ۹۸)

سوال: جای خالی را با مصراع مناسب کامل کنید.

تا کیمیای عشق بیابی و زر شوی

پاسخ: دست از مس وجود چو مردان ره بشوی

خواب و خورت ز مرتبهٔ خویش دور کرد
 آن‌گه رسی به خویش که بی‌خواب و خور شوی
معنی: وابستگی به لذت‌های مادی، تو را از جایگاه انسانی خودت دور کرده است؛ زمانی به مقام حقیقی خود می‌رسی که لذت‌های مادی را ترک کنی.

مفهوم: ترک لذت‌های مادی و توجه به معنویات، انسان را به مقام والا می‌رساند.

آرایه: «خواب و خور»: مجاز از لذت‌های مادی / «از خویش دور شدن» و «به خویش رسیدن»: تضاد / «بی‌خواب و خور شدن»: کنایه از ترک وابستگی‌های مادی / «دور شدن از مرتبهٔ خویش»: کنایه از ارزش خود را از دست دادن / «به خویش رسیدن»: کنایه از رسیدن به مقام والای خود

دستوره: ضمیر «ت» در «خواب و خورت» مفعول است. (خواب و خور ز مرتبهٔ خویش دورت کرد = تو را دور کرد)

واعظ: پنددهنده، سخنور اندرزگو / تزویر: نیرنگ، دورویی، ریاکاری

گرو: دارایی یا چیزی که برای مطمئن‌ساختن کسی در به انجام رساندن تعهدی به او داده می‌شود. / گرو بردن: مال کسی را به عنوان وثیقه گرفتن و نزد خود نگاه‌داشتن؛ موفق‌شدن در مسابقه و به دست آوردن گرو

مکتب: جای درس‌خواندن، مدرسه / حقایق: جمع حقیقت است. حقیقت، آخرین مرحلهٔ سیر و سلوک عرفانی است. / ادیب: آداب‌دان، ادب‌شناس، سخن‌دان؛ در اینجا به معنی معلم و مرئی است.

کیمیا: ماده‌ای که به عقیدهٔ گذشتگان می‌توانست مس را تبدیل به طلا کند.

پاسخ آزمون درس ستایش

- ۱- شبه: مانند، مثل، همسان
- ۲- سُور: شادی، خوشحالی
- ۳- روی: مجازاً امکان، چاره
- ۴- «قالب قصیده» و «ثنا و ستایش» املائی صحیح‌اند.
- ۵- «همه» در مصراع «الف» به معنای «تنها و فقط» آمده و قید است اما در مصراع «ب» به معنای «هر» آمده و صفت اشاره است.
- ۶- عبارت «توام راه‌نمایی» ایهام دارد: (۱) تو راه را به من نمای.
- ۲) تو راهنمای من هستی.
- ۷- «بیش و کم» و «بکاهی و فزایی»: تضاد / «غیب و عیب»: جناس ناهمسان
- ۸- «الف» خداوند ب) زیرا خداوند در وهم (خیال و اندیشه) نمی‌گنجد.
- ۹- تمام وجودت علم و یقین است.
- ۱۰- تمام وجود سنایی فقط از یگانگی تو سخن می‌گوید؛ شاید برای او امکان رهایی از آتش دوزخ وجود داشته باشد.

پاسخ آزمون درس یکم

- ۱- مزید: افزونی، زیادی
- ۲- تَضَع: زاری کردن، التماس کردن
- ۳- مُمِد: مددکننده، یاری‌رساننده
- ۴- باسق: بلند، بالیده
- ۵- مکاشفت: کشف کردن و آشکارساختن، در اصطلاح عرفانی، پی‌بردن به حقایق است.
- ۶- گروه کلمات «سفوت آدمیان»، «آکفان کعبه»، «هلیه جمال» و «به تحیر منسوب» نادرست و شکل صحیح آنها «صفوت آدمیان»، «عاکفان کعبه»، «حلیه جمال» و «به تحیر منسوب» است.
- ۷- گزینه «۱» واژه «مُتاع» نادرست و شکل صحیح آن «مُطاع» است.
- ۸- الف) وُسیم (ب) معاملت (پ) إنابت
ت) خلعت (ث) وظیفه‌بریدن
- ۹- الف) «غربت»: دوری
ب) «حیاط»: زمین جلو ساختمان
پ) «خان»: رئیس، سرور
ت) «منسوب»: به شغل و مقامی گماشته شده
- ۱۰- ضمیر «م» در «گلم» مفعول است (بوی گل چنان من را مست کرد).
- ۱۱- الف) فعل «است» بعد از «نعمت» به قرینه لفظی حذف شده است (مزید نعمت است).
- ب) فعل «است» بعد از «به» به قرینه معنایی حذف شده است (همان به است).
- ۱۲- «گلستان» اثر سعدی و «ترجمه کلیله و دمنه» اثر نصرالله منشی است.
- ۱۳- «مرغ سحر»: نماد مدعیان دروغین عاشقی؛ «پروانه»: نماد عاشقان راستین
- ۱۴- «فَراش باد صبا» و «دایه ابر بهاری» و «بنات نبات» و «مهد زمین»: تشبیه / «گفتن به باد صبا» و «فرمودن به ابر بهاری»: تشخیص / «بگسترده» و «بپرورد»: سجع / «فرش زمردین»: استعاره از سبزه‌ها
- ۱۵- الف) ناتوانی در عبادت شایسته خداوند
ب) پاک کردن قلب از غیر خدا برای درک اسرار الهی
پ) غافل‌نشدن از پروردگار رزاق
- ۱۶- الف) پیامبر اسلام ﷺ
ب) تکیه کردن بر حمایت پیامبر اکرم ﷺ
- ۱۷- «او»: خداوند / «بی‌دل»: عاشق
- ۱۸- ناتوانی در شناخت خداوند
- ۱۹- تلاشی نمی‌کرد.
- ۲۰- تلاش می‌کرد آن را بگیرد اما چیزی به دست نمی‌آورد.
- ۲۱- سپاس و ستایش مخصوص خداوند گرامی و بزرگ است که اطاعتش سبب نزدیکی به او می‌شود و شکرگزاری از او باعث افزایش نعمت می‌گردد.
- ۲۲- هر نفسی که فرو برده می‌شود یاریگر زندگی است و وقتی بیرون می‌آید، شادی بخش وجود است.
- ۲۳- آبروی بندگان را با وجود گناه آشکار نمی‌ریزد و روزی معین آنان را به خاطر انجام اشتباه زشت قطع نمی‌کند.

پاسخ آزمون درس دوم

- ۱- محتسب: مأمور حکومتی شهر که کار او نظارت بر اجرای احکام دین و رسیدگی بر اجرای احکام شرعی بود.
- ۲- والی: حاکم، فرمانروا
- ۳- خانه خَمَار: میخانه، میکده
- ۴- حد: کیفر و مجازات شرعی برای گناهکار و مجرم
- ۵- ادیب: ادر اینجا معلّم و مربّی
- ۶- الف) «غازی» نادرست و شکل صحیح آن «قاضی» است.
ب) «از بحر» نادرست و شکل صحیح آن «از بهر» است.
پ) «ثواب» نادرست و شکل صحیح آن «صواب» است.
ت) «بهر» نادرست و شکل صحیح آن «بحر» است.
- ۷- کلمات «معمور»، «آر» و «منظر نذر» نادرست و شکل صحیح آنها «مأمور»، «عار» و «منظر نظر» است.



دانش‌آموزان عزیز، جهت یادآوری و مرور سریع درس‌های ۱ تا ۱۸ فارسی دوازدهم برای ایام امتحانات، لطفاً بخش **خلاصه درس** را با اسکن QRcode روبه‌رو، دانلود کنید.

نمره	بخش اول: قلمرو زبانی (۷ نمره)	رديف
	<p>امتحان نیم‌سال اول</p> <p>کلیه رشته‌ها</p> <p>فارسی ۳</p> <p>کheilisabz.com</p> <p>امتحان شماره ۱</p> <p>مدت امتحان: ۹۰ دقیقه</p>	
۱	<p>الف) واژگان (۱ نمره)</p> <p>با توجه به عبارات و اشعار زیر، معنای واژگان مشخص شده را بنویسید.</p> <p>۱ در <u>نفیرم</u> مرد و زن نالیده‌اند.</p> <p>۲ عشق به همه‌جایی <u>مأوا</u> نکند.</p> <p>۳ هنوز <u>طاق</u> ضربی دروازه‌های آن باقی است.</p> <p>۴ پرده ناموس بندگان به گناه <u>فاحش</u> نَدرد.</p> <p>ب) املا (۲ نمره)</p> <p>۵ در گروه کلمات زیر <u>نادرستی</u> (های) املايي را بياييد و تصحيح کنید.</p> <p>«بهر وطن - مَسَلک و روش - باد سحر - طَرْف چمن - اجانب و بيگانگان - بيت الحَزَن - قرقه به خون - اهریمن و شیطان - روضه رضوان - چاه زرخدان»</p> <p>۶ در کدام گزینه یک یا تعدادی از واژه‌ها <u>نادرستی</u> املايي دارد؟ تصحيح کنید.</p> <p>۱) قاش زین - دل از عزا درآوردن - اتاقد محصور - حیاط خانه - ترقی و انتصاب</p> <p>۲) پر زرق و برق - رفتگر شهرداری - حد و حصر - غصه خوردن - بساط تهویه</p> <p>۳) ذرت بلالی‌ها - مباحات - عظیمت و رفتن - ایل و عشیره - چشمه ضلال - ایل و تبار</p> <p>۴) مواهب خداداد - بطالت - حقوق قضایی - عدلیه - آب جیحون</p> <p>۷ املاي درست را از داخل کمانک انتخاب کنید.</p> <p>الف) آن همه زیبایی‌ها و لذت‌ها و (نشئه - نشئه)‌های سرشار</p> <p>ب) زین بی‌خردان (صفله - صفله) بستان داد دل مردم خردمند</p> <p>پ) دانش‌های زبانی و دستوری (۴ نمره)</p> <p>۸ نقش دستوری کلمات مشخص شده را در مقابل آنها بنویسید.</p> <p>الف) دسته‌گلی تازه در کنار بنایی یادبود نهاده بودند.</p> <p>۹ ب) نقاش و طراح، همان توصیفات ویکتور هوگو را نقاشی کرده‌اند.</p> <p>در هر یک از موارد زیر بخش حذف شده و نوع حذف را مشخص کنید.</p> <p>الف) طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت.</p> <p>ب) بنده همان به که ز تقصیر خویش عذر به درگاه خدای آورد</p> <p>۱۰ در بیت‌های زیر «وابسته و وابسته» را بیاييد و نوع آن را مشخص کنید.</p> <p>الف) سینه خواهم شرحه شرحه از فراق تا بگویم شرح درد اشتیاق</p> <p>ب) هر کسی کاو دور ماند از اصل خویش بازجوید روزگار وصل خویش</p> <p>۱۱ در بیت زیر، مصراع اول را مطابق زبان معیار مرتب کنید.</p> <p>خانه‌ای کاو شود از دست اجانب آباد ز اشک ویران گنش آن خانه که بیت الحَزَن است</p> <p>۱۲ هم‌آوای واژگان زیر را به همراه معنی آنها بنویسید.</p> <p>الف) قربت</p> <p>ب) حیات</p> <p>پ) خوان</p> <p>ت) منسوب</p>	

	فارسی ۳	کلیه رشته‌ها	امتحان نهایی خردادماه ۱۴۰۱
kheilisabz.com	مدت امتحان: ۹۰ دقیقه	امتحان شماره ۳	
نمره	بخش اول: قلمرو زبانی (۷ نمره)		ردیف
۰/۲۵	۱ در بیت زیر، یک برابر معنایی مناسب برای واژه «شادی» بیابید.		۱
۰/۵	۲ «همه عزّی و جلالی، همه علمی و یقینی همه نوری و سروری، همه جودی و جزایی برای هر یک از واژه‌های مشخص شده یک برابر معنایی مناسب بنویسید.		۲
۰/۲۵	۳ (الف) اگر کوه آتش بود <u>بسپرم</u> (ب) به عنوان <u>ولیمه</u> کباب غاز صحیحی بدهد. معنی واژه «دستور»، ر بیت زیر با معنی آن در کدام گزینه یکسان است؟		۳
۰/۵	۴ «چه نیکو گفت با جمشید دستور که با نادان نه شیون باد و نه سرور» (۱) گر ایدونک دستور باشد کنون (۲) تن ز جان و جان ز تن مستور نیست (۳) به دستور فرمود تا ساروان (۴) بر مصطفی بهر رخصت دوید		۴
۰/۷۵	۵ املاي درست را از داخل کمانک انتخاب کنید. (الف) الّا ولله که امروز باید (ناهار / نهار) را با ما صرف کنی. (ب) شاهان باز شکاری را روی (شصت / شست) می‌نشانند و با خویشان به شکار می‌برند. در هر یک از متن‌های زیر، واژه‌ای بیابید که دارای «هم‌آوا» باشد.		۵
۰/۵	۶ (الف) کشته هر سو بر کف و دیواره‌هایش نیزه و خنجر / چاه غدر ناجوان مردان / چاه پستان، چاه بی‌دردان «هر کسی از ظنّ خود شد یار من از درون من نجست اسرار من» (ب) در آن اثنا صدای زنگ تلفن از سرسرای عمارت بلند شد. در هر یک از موارد زیر، املاي یک واژه <u>نادرست</u> است: آن را بیابید و درست آن را بنویسید.		۶
۰/۲۵	۷ (الف) پیرمرد از داخل کاذبیه روی میز، یک پاکت کهنه را برداشت و حوالهٔ مخارج قریب شش ماه من را نوشت. (ب) پس از عزیمت رضاشاه، همهٔ تبعیدی‌ها رها شدند و به ایل و اشیره بازگشتند. در کدام گزینه <u>غلط</u> املايي دیده می‌شود؟		۷
۱	۸ (۱) نهالی چند در هنگام ورود خویش در باغ غرس کرده بود. (۲) کتاب را بر روی زانو گشوده بود و از پس عینک ستبر خویش در آن می‌نگریست. (۳) چنان می‌نمود که در چهار گوشهٔ اتاق، درفش ملی ما را به احتزاز درآورده باشند. (۴) قومی به اسارت دشمن درآید و مغلوب و مقهور گردد. با توجه به سرودهٔ زیر، به پرسش‌ها پاسخ‌ها دهید.		۸
۱	۹ «داشتم می‌گفتم، آن شب نیز / سورت سرمای دی بیدادها می‌کرد / و چه سرمایي، چه سرمایي! / لیک، خوشبختانه آخر، سرپناهی یافتم جایی / ... قهوه‌خانه گرم و روشن بود، هم‌چون شرم ... / همگناهان را خون گرمی بود.» (الف) واژهٔ «دی» کدام‌یک از انواع وابستهٔ وابسته است؟ (ب) زمان کدام فعل «ماضی مستمر» است؟ (پ) نقش دستوری واژهٔ «خوشبختانه» را بنویسید. (ت) نوع واو مشخص شده را تعیین کنید.		۹
۱	۱۰ با توجه به بیت‌های زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید. (۱) از سیم به سر یکی کله خود ز آهن به میان یکی کمربند (۲) ای مشت زمین بر آسمان شو بر وی بنواز ضربتی چند (۳) ای مادر سرسپید، بشنو این پند سیاه‌بخت فرزند (الف) در بیت اول، نوع حذف، قرینهٔ لفظی است یا معنایی؟ (ب) کاربرد معنایی فعل «شو» اسنادی است یا غیراسنادی؟ (پ) یک ترکیب وصفی در بیت دوم بیابید. (ت) هستهٔ گروه اسمی «این پند سیاه‌بخت فرزند» را تعیین کنید.		۱۰

پاسخ نامه تشریحی امتحان شماره (۴)

- ۱- الف) به نتیجه می‌رسد، به ثمر می‌رسد
ب) نوعی درخت گل، یاسمن
پ) دورویی، ریاکاری، نیرنگ
ت) رنج و سختی
- ۲- الف) مشاور و وزیر
ب) اجازه، رخصت
- ۳- الف) منسوب
ب) بهر
- ۴- الف) بیندازد
ب) مضغ
- ۵- آزر و حیا / خوار و بی‌ارزش
- ۶- قوت: مفعول / آتش: مسند
- ۷- الف) نادرست
ب) درست
- ۸- الف) مضاف‌الیه مضاف‌الیه
ب) ممیز
- ۹- الف) عطف
ب) چشمان
- ۱۰- الف) بروم
ب) مفعول
- ۱۱- الف) بدل
ب) قید
- پ) صفت شمارشی (ترتیبی)
ت) زادسرو
- ۱۲- پ) آقای مصطفی خیلی معذرت خواستند که بدون خداحافظی با آقایان رفتند.
- ۱۳- الف) مکان (مکان زندگی مردم دیلم)
ب) صفت فاعلی
- ۱۴- الف) شکسپیر
ب) سید مهدی شجاعی
- ۱۵- در حیاط کوچک پاییز در زندان
دری به خانه خورشید
- ۱۶- الف) استعاره (با توجه به کتاب علوم و فنون ۲ اگر مجاز هم نوشته شود صحیح است).
ب) کنایه
پ) مجاز
- ت) حس آمیزی
- ۱۷- الف) انسان‌هایی که عاشق حقیقی نیستند و به عشق‌های دنیوی و ناپایدار دل بسته‌اند.
ب) پیر و مرشد و راهنما
- ۱۸- الف) اسلوب معادله
ب) اغراق
پ) تشخیص
ت) تشبیه
- ۱۹- الف) می‌روند و بازمی‌گردند
ب) نمیرم (تا زمانی که زنده‌ام)
- ۲۰- الف) دلی می‌خواهم که از درد جدایی پاره‌پاره شده باشد.
(محرمی می‌خواهم که سختی جدایی کشیده باشد).
ب) حکومت‌های بزرگ هم مانند انسان‌های ثروتمند و پرخور از زیاده‌خواهی نابود می‌شوند.
پ) هر چند فرزند عزیز و گرانقدر است، اما بدگمانی به فرزند، دل شاه را آزاده خواهد کرد.
ت) خودداری می‌کردید اما اصرارهای من شما را مجاب و راضی کرد.
ث) چرا سرزمین ما شاه ندارد، بیش از این بدون شاه بودن شایسته نیست.
ج) این بدبخت‌ها هر سال طولانی یک بار برایشان چنین موقعیتی پیش می‌آید و مدتی است انتظار کشیده‌اند (گرسنگی کشیده‌اند، به خود وعده داده‌اند) که کباب بخورند.
چ) فکر و خیالی در ذهن انسان نمی‌گنجد که بتواند آن را بنویسد اما روح راستگو و درست‌کردار من آن را برای تو، ای عشق جاودانی به تصویر نکشیده باشد.
- ۲۱- به شیوه صمیمی و خودمانی
- ۲۲- سوخته‌جان: شاعر (ملک‌الشعراى بهار) / آتش: خشم، اعتراض
- ۲۳- همه موجودات در حال تسبیح خداوند هستند. ﴿يَسْبِحُ لَهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ﴾
- ۲۴- نسیم سحرخیز: انقلاب و قیام مردم / باغ: وطن، کشور
- ۲۵- لطف و عنایت حق، انسان را از آسیب‌ها در امان نگه می‌دارد (آتش سوزان مثل آب، سرد می‌شود).
- ۲۶- داستان‌های شاهنامه (حماسه ملی ایران)
- ۲۷- میزان قدرت و توانایی تو چقدر است.
- ۲۸- یکی از این دو مورد: عشق قدیم را هر چقدر قدیمی باشد، کهنه و بی‌ارزش نمی‌شمارد یا همواره معشوق را جوان می‌بیند.
- ۲۹- ۱) «ب» ۲) «پ»